

# تنها برای آنان، از راه GILLETTE

*L'ORÉAL THROUGH GILLETTE · 19*

تازه بازنشسته شده بودم. چهل سال فروش در Gillette Italia. مثل بسیاری از مردان هم‌سن‌وسالم، انتخاب‌های کمی داشتم اما یک یقین: زمانی که روزی بی‌پایان به نظر می‌رسید، با نوعی جادو، اندازه‌گرفتنی شده بود. به خط پایانی اشاره می‌کرد — خطی که برای من آغازی تازه می‌شد.

در زندگی عادت‌های بد کمی داشتم. حاصل تربیتی بنا شده بر اصول و وظیفه — نه بر نیازها و خواسته‌ها. آن روز با کتاب‌هایم زیر بغل در خیابان راه می‌رفتم. شور واقعی من. GILLETTENARRATIVE مرا اسیر کرده بود — بی هیچ بند شلواری.

بعد صداهایی شنیدم. صدای زنان. و پشت سرم: گروهی از زنان. و چه زنانی. زیبا و چشمگیر مثل زنان فیلم‌ها — بی حتی یک عیب. تند حرکت می‌کردند و ردی پشت سرشان به جا می‌گذاشتند مثل ماشین‌های فرمول یک — همان‌ها که رانندگان دیگر دنبالشان می‌کنند تا برتری‌ای بربایند. دنبالشان رفتم.

بلیت نداشتم. دعوت‌نامه نداشتم. پول نداشتم. دلسرد نشدم. ما مردان Gillette یک کار را خوب بلدیم — همیشه همان کار را: راه‌حل پیدا کردن. هرگز مشکل.

به یکی از آن‌ها نزدیک شدم و کتابی به او دادم. لبخند زد. نامم را پرسید. و در سکوت، دستم را گرفت و مرا به تئاتر برد — بی یک کلمه.

جادوی زنان. قدرت زنان.

انتظار یک همایش را داشتم. یک اجرای کوتاه. گفت‌وگویی با روزنامه‌نگاران. آنچه هرگز انتظارش را نداشتم، عرضهٔ یک کمپین آموزشی تازه بود با عنوان:

این کار را نمی‌کنند. دقیقاً همان کلماتی بودند که هر زنی در جهان به کار می‌برد — اول با بچه‌ها، بعد با مردان.

نزدیک یک ساعت طول کشید. درست به اندازهٔ کافی — میانگین بازهٔ ذهنی‌ای که مرد لازم دارد تا ایده‌ای را بپذیرد پیش از آنکه آن را پردازش کند، و تنها بعد تغییرش دهد.

و همه‌اش حقیقت داشت. ما از زن زاده می‌شویم. گریان به جهان می‌آییم و گریان از آن می‌رویم. زندگی‌مان را در جست‌وجوی شانهٔ زنی می‌گذرانیم که به آن تکیه کنیم. و در پایان، همیشه خودمان را تنها می‌یابیم — با یک ورد که در گوش‌هایمان زنگ می‌زند:

این کار را نمی‌کنند.

*Nando the Scribe*